

یادداشت

سرنخ این فوتبال دست کیه؟

خنثی سازی خنثی‌ها

سعید حقایق‌فر
کارشناس فوتبال

خنثی‌های فوتبال زیاد شده‌اند. خنثی‌ها کسانی هستند که عمری را به کار فوتبال مشغول بوده‌اند، بازیکن بوده‌اند و مربی و گاه مدیر فوتبالی و حالا حتی حاضر نیستند، بیدار بمانند و فوتبال جزیره را نگاه کنند. چه برسد به اینکه به ورزشگاه بروند و از نزدیک جریان یک بازی داخلی را تعقیب کنند. آن غلیظ‌ترهاشون حتی پخش مستقیم و برنامه‌های فوتبالی را تماشا نمی‌کنند و به نوعی با فوتبال قهر کرده‌اند. خیلی از آنها زمانی محبوب هواداران میلیونی فوتبال بوده‌اند و حالا وقتی علت این بی‌تفاوتی‌شان از فوتبال رami پرسبی، پوزخندی تحول می‌دهند و می‌گویند: «آقا همه سرکاریم بهتره که تو این فوتبال نباشیم!» خیلی‌بده که اهالی فوتبال خنثی باشند. نه اون خنثی‌ای که ناشی سرنخ‌ها را در دستان آنان نیست و حدود اختیارشان از حد تصمیمات کوچک درون سازمانی است. درخصوص اخذ تصمیمات ملی و بین‌المللی کاره‌ای نیستند و بیشتر قائل به خودسانسوری و رفع مسئولیت هستند.

در جریان تصدی گری آنان در ظاهر مراتب‌رای و انتخابات حاکم است، اما در موقع حساب پس دادن و تصمیم‌گیری، آنها به کسان دیگری جواب می‌دهند و پاسخگو هستند.

فوتبال در تمامی تشکیلات و زیرمجموعه‌هایش براساس قانون باید مجامعی داشته باشد که بزرگ‌ترین مرجع، تصمیم‌گیری و نظارت است. اما هیچ کدام از این مجامع از سطح انتخابات هیات فوتبال روستاها، بخش‌ها، شهرستان‌ها و شهرها تا هیات فوتبال استان‌ها دارای انتخاباتی جامع، موجه و فعال نیستند.

شاید باور نکند، درصد بالایی از اعضای این مجامع چشم‌شان به اسانماهایی که آنها را مسئول کرده است هم نیفتاده و یک بند آن را هم نخونده‌اند!!! حالا کلی آدم غرولند می‌کنند که این فوتبال را سر تا پا فساد و بی‌اخلاقی گرفته است و خواستار این هستند که فرج و گشایشی صورت گیرد.

در روی کاغذ برای اصلاح فوتبال باید به مجامع و اعضای مراجعه کرد و با توجه به مشخصه‌ای که از ایشان موجود است آبی از آنها گرم نمی‌شود. در عالم واقع هم مشخص نیست که به سراغ چه کسی باید رفت؟ این جوهره که آدمی خنثی می‌شه. چرا که به سراغ منتخبان مجامع که می‌روید، آدم بی‌فلسفه‌ای را روبه‌روی خودت می‌بینی که هیچ ایده‌ای را برای کار خودش و آینده فوتبال ندارد، بسیار مسرور است که عضو مجمع و در خواب هم نمی‌دیده است که روزی صندلی را اشغال کند که باید خبره‌ای از بین شش میلیون تن اهالی فوتبال اشغال کند و در نهایت برای خوش خدمتی که انجام داده‌اند به مسافرتی به اصطلاح آموزشی به یکی از شهرهای ایتالیا و اسپانیا می‌رود و به بزرگ‌ترین باشگاه‌های جهان سری می‌زند و هیچ سوغاتی از آن بزرگی با شگاه‌ها را به یادگار نمی‌آورد و این تکلیفی است که به گردن ایشان نهاده‌اند. به سراغ مسئولان می‌روی همه خوب صحبت و همه موجه جلوه می‌کنند و تمام توان خود را گذاشته‌اند و بیشتر از این هم زورشان نمی‌رسد.

خدا پدر و مادر برنامه‌های فوتبالی رسانه ملی را بیامرزد که جهت جلوگیری از خنثی شدن بقیه اهالی فوتبال کورسوی امیدی را در دل‌شان می‌تاباند، چرا که اگر این کورسوها نباشد این چهارتا تماشاچی فوتبال هم از ورزشگاه و صداوسیما قهر کرده و فوتبالی باقی نخواهد ماند.

امسان از انتخابات و غریبگی و بی‌اعتقادی مردم‌مان به آن. خبر آخر اینکه وقتی از مطلعی می‌پرسم آقا سرنخ این فوتبال دست کیه؟ می‌گوید مجری بزرگ‌ترین برنامه فوتبال سیما که همیشه در نقش رابین هود ظاهر می‌شود. با این اوضاع و احوال مگر چاره‌ای جز خنثی بودن هم وجود دارد؟ در میان این همه نقش‌آفرین اهریمنی باید گوشه‌ای نشست و زندگی نباتی داشت و به این گوشه‌نشینی فخر فروخت.



پریختگان

اینستای بدون باجناب

خبر رسید که آقای اینیستاد ۳۳ سالگی رسماً از بارسلونا خداحافظی می‌کند تا به تیم دیگری برود. در مورد بازیکنی صحبت می‌کنیم که همین الان هم از بهترین‌های تیم خودش است. اینجا رحمتی تازه در ۲۵ سالگی قرارداد سه ساله بستنش شروع می‌شود و خسرو حیدری وقتی حدس می‌زند فصل بعد در تیم نیست، یک قصه شکایت از باشگاه سر مطالبات و مالیات راه می‌اندازد که دوازی طرف بیفتد. ما اینجا بازیکنان مان تازه از ۳۵ سالگی عاشق تمدید کردن با باشگاه‌شان می‌شوند بعد در آن سمت می‌بینیم که اینیستا

و بقیه در اوج می‌کشند کنار. ما جای آقای اینیستا بودیم یک باجنابی داخل باشگاه برای خودمان ردیف می‌کردیم بعد دوتایی با هم قرار می‌گذاشتیم با هم هماهنگ باشیم که اگر باشگاه خواست هر کدام مان را رد کند آن یکی قبول نکند!

تاثیر کارلوس بر ادبیات کریمی

راه‌های بهتری هم برای اصلاح هست

حرف‌ها تکانی نخورد و نفت تهران را بهترین موقعیت برای تست خودش در امر سرمربیگری می‌دانست. با توجه به روحیه‌ای که از کریمی می‌دانیم، از پیش یقین داشتیم که او با این تیم به توفیقی دست نخواهد یافت. چون مشکلی که مالک باشگاه داشت و شرایط حاکم بر مدیریت و تشکیلات این تیم، نشان می‌داد که به‌زودی این تیم از هم خواهد پاشید و در این میان تنها علی کریمی ضرر خواهد کرد. چنین نیز شد و کریمی خیلی زود با مدیر تیم به مشکل خورد و این درگیری و اختلاف موجب حاشیه‌های بسیاری شد که جزئیات آن را خوانده‌اید.

علی کریمی در اظهارنظری عجیب اعلام کرد: «تنها تغییر تیم نفت، تغییر نام مالک باشگاه است و وضعیت این تیم نسبت به گذشته هیچ تفاوتی نکرده است»

این امر پاسخ مالک باشگاه را در پی داشت و در حالی که یک روز از نخستین پیروزی این تیم با علی کریمی گذشته بود و بازیکنان این تیم در تهران اسر مشغول تمرین ریکاوری پس از دیدار با سپاهان بودند، از استعفاي جادوگر پیش از بازی مقابل سپاهان خبر داد و پس از اینکه کریمی چنین موضوعی را تکذیب کرد، مالک باشگاه متن پیامکش با او را در کانال رسمی باشگاه منتشر کرد. جالب اینکه هنوز حرف استعفا از دهان کریمی خارج نشده بود، از مذاکراتش با گزینه‌های خارجی خبر داد تا کریمی با این اقدام غیرحرفه‌ای مواجه شود.

به هر حال دومین ضربه بر پیکر جادوگر وارد شد و کریمی در مواجهه با یک مدیر کارنابالد تنها راه را جدایی دید و با جنجالی که در این زمینه راه افتاد، کریمی از این تیم هم جدا شد.

تاثیر خسارت‌های قبلی و باز هم دعوا

وقتی اسم علی کریمی به‌جای نظر محمدی و امید روانخواه برای هدایت سپیدرود رشت



دو سر باخت در نفت تهران

مدتی از جدایی علی کریمی از تیم ملی گذشته و وی در پی اثبات خودش بود تا بتواند به‌نوعی خود را به رخ بکشد و نشان دهد که می‌تواند در امر مربیگری موفق شود و حرف‌های زیادی برای گفتن دارد. نفت تهران موقعیت تازه‌ای بود تا او خود را دوباره بیازماید. این بار البته در پست سرمربیگری که حرف و حدیث‌های زیادی برای او داشت. عده‌ای کم‌تجربگی او را در این عرصه شش‌نانه گرفتار می‌دانند و سرمربیگری بدون گذراندن دوره‌های عملی و پشت سر گذاشتن کلاس‌های مربوطه را عاملی برای عدم موفقیت احتمالی او می‌دانستند. اما کریمی با این همه چیز از دریافت بلیت اکونومی برای علی کریمی توسط مسئولان تیم ملی شروع شد. کریمی تازه از سوی کارلوس کی‌روش به عنوان دستیار دعوت به کار شده بود و چند ماهی در کنار او مربیگری می‌کرد. مشکلی تا آن زمان وجود نداشت و کارلوس و کریمی هر دو راضی از هم و در کنار هم برای تیم ملی وقت می‌گذاشتند و تلاش می‌کردند. کارلوس از اینکه یک بازیکن محبوب هواداران را در کنار خود داشت خوشحال بود. کریمی هم از اینکه بدون گذراندن دوره‌های تخصصی و کسب تجربه از میادین کوچک مربیگری و بدون واسطه یک شبه مربی تیم ملی فوتبال ایران شده بود کاملاً راضی و خشنود بود. حدود ۶ ماهی به همین منوال گذشت تا اینکه تیترو برنامه‌ها و خبرگزاری‌ها خبر از تیره شدن روابط کی‌روش و کریمی دادند. دلیل آن مربوط به بلیتی بود که به‌قول خود جادوگر در شان او نبود و بی‌احترامی به وی قلمداد می‌شد. گویا مسئولان تیم ملی فوتبال برای

دروغ یا واقعیت؟

شایعه شوه به عابدزاده در پرتغال

در حالی که روز گذشته برخی مطبوعات پرتغالی از تلاش نمایندگان تیم پورتو برای رشوه دادن به امیر عابدزاده دروازه‌بان ملی‌پوش کشورمان خبرهایی منتشر کردند، یک فرد نزدیک به عابدزاده در گفت‌وگو با روزنامه ابولا، این ادعا را رد کرد.

روز گذشته خبری منتشر شد مبنی بر اینکه روز چهارشنبه هفته پیش شکایت‌نامه‌ای ناشناس به دفتر دادستانی کل پرتغال ارسال شده و در آن ادعا شده است که تیم پورتو تلاش داشته ۲۰۰ هزار یورو به امیر عابدزاده رشوه بدهد و مقامات قضایی پرتغال در حال تحقیق درباره این شکایت هستند. پورتو که در حال حاضر با دو امتیاز برتری نسبت به بنفیکا در صدر جدول لیگ پرتغال قرار دارد، فردا یکشنبه باید به مصاف ماریتیمو برود و اکنون براساس شکایتی مطرح‌ه، ادعا شده که باشگاه پورتو در تماس با دروازه‌بان ملی‌پوش ایرانی، پیشنهاد رشوه ۲۰۰ هزار یورویی به او ارائه اما عابدزاده با فاصله آن را رد کرده است.

این در حالی است که یک منبع نزدیک به امیر عابدزاده به روزنامه معتبر ابولا اطمینان داده است که دروازه‌بان ماریتیمو هرگز هیچ ارتباطی با وبسایتان پورتو نداشته است.

این منبع می‌گوید که این بازیکن ایرانی از شکایتی ناشناس در مورد خود و پیشنهاد رشوه ۲۰۰ هزار یورویی قبل از دیدار روز یکشنبه، شگفت‌زده شده است. امیر، انگلیسی را سلیس صحبت می‌کند، اما هنوز هم با زبان پرتغالی مشکل دارد- این بازیکن ایرانی به‌ندرت اخبار را دنبال می‌کند، بنابراین حتی از اخبار مربوط به چنین شکایتی مطلع نبود. همان منبع معتقد است که این شکایت تنها ممکن است باعث شود این دروازه‌بان روی کار خود بیشتر تمرکز کند.

تصویر نما



دور اول مسابقات قهرمانی کار تینگ کشور

ادعای عجیب و پاسخ عجیب‌تر

می‌زنیم، نمی‌گذاریم

اگر این دروز را هم دندان روی جگر بگذارند همه چیز تمام می‌شود و لیگ آزادگان به خط پایانش در فصل جدید می‌رسد. وقتی هم که رسید دو تیم از آن پیاده می‌شوند و بقیه تا سفر بعدی به حرکت خود در مسیر قبلی ادامه می‌دهند. خیلی‌ها دوست دارند زودتر از قطار لیگ یک پیاده شوند و سوار قطار سریع‌السیر لیگ برتر شوند. برخی از آنها خیلی عجلو تشرف دارند و برای تغییر مسیر و تعویض قطار رفتارهای عجیبی از خود بروز می‌دهند که قابل بررسی و البته پاسخ مناسب است. در آخرین اظهارنظرهای یک مربی لیگ یکی که گفته بود در آخرین بازی‌مان برابر حریف، ۱۵ گل می‌زنیم تا رقیب‌مان نتواند امتیاز لازم را کسب کند، این نکته به ذهن متبادر می‌شود که؛ با طرف خیلی شگتگول است و در یک فضای ماورای طبیعی سیر می‌کند یا اینکه جادو جنبل بلد است و با اطمینان خاطر این ادعا را بیان می‌کند که البته بیشتر به یک شوخی شبیه است. اسکوپچ سرمربی تیم لیگ یکی خونه‌به‌خونه بابل در اظهارنظری شگفت‌انگیز گفته که تیمش می‌تواند برابر برق جدید شیراز ۱۵ گل به‌ثمر برساند و ... اما این موضوع به اینجا ختم نشده و کاپیتان کاکوها جواب دندان‌شکنی به او داده و اظهار داشته: «فکر می‌کنم اسکوپچ دو نیت داشته که چنین حرفی زده، اول اینکه برای بازی و صعود به لیگ برتر جوگیر شده تا خودش را زیر فشار هواداران تیمش خالی کند، دوم اینکه می‌خواهد با احساسات بازیکنان برق جدید شیراز بازی کند و تمرکز تیم ما را برهم بزند و گرنه یک کودک پنج‌ساله هم چنین حرفی را نمی‌زند!»

وی افزود: «خونه‌به‌خونه بهترین برد پرگلی که تا حالا داشته با سه یا چهار گل بوده و واقعاً نمی‌دانم چرا چنین حرفی زده، در واقع این آقا زبل بازی در آورده تا بازیکنان برق جدید را وارد حاشیه کند. مطمئناً کادر فنی تیم و همه بازیکنان حواس‌شان به این گونه حاشیه‌ها است و اسیر حرف‌های سرمربی تیم حریف نمی‌شوند. «کوهنورد ادامه داد: «در آخرین بازی در بابل مقابل خونه‌به‌خونه با ارائه یک بازی جوانمردانه و فوتبال پاک، جواب بی‌احترامی مربی حریف را خواهیم داد و مردانه به میدان می‌رویم. هواداران خونه‌به‌خونه و نساجی قائم‌شهر بداندند که ما با شرافت بازی می‌کنیم تا حق کسی ضایع نشود و هر تیمی که شایسته صعود باشد به لیگ برتر صعود کند. برای دفاع از فوتبال شیراز و استان فارس در بابل باغیرت بازی می‌کنیم و جواب اسکوپچ را در میدان می‌دهیم. البته ای کاش شرایط فجر سیاسی جوری بود که می‌توانست به لیگ برتر صعود کند چرا که اعتقاد دارم شیراز باید یک تیم در لیگ برتر داشته باشد.»

البته اعتقاد داریم که چنین بحث‌ها و رجزخوانی‌هایی در این شرایط حساس و حیاتی کاملاً طبیعی و عادی است. دلایلش هم احساس مسئولیت مربیان و مدیران در راستای رسیدن به اهدافی است که از پیش تعیین شده و برای تحقق آن تلاش‌های فراوانی کرده‌اند. در این میان تنها یک موضوع را فراموش می‌کنند که متأسفانه همیشه باعث اغتشاش اخلاقی شده و موجب حدی درخصوص تیم‌هایی می‌شود که نه بلدند جادو و جنبل کنند، نه جرات و اخلاق زده و بندی دارند و نه اقتدر پول دارند که خرج کنند و به داشته‌هایشان بیفزایند. و این موضوع تمرکز روی کارهای فنی تیم خود و انگل نکردن تیم‌های دیگر و رقیبان بی‌حاشیه است. در واقع ضعف آدم‌ها در این گونه مواقع معلوم می‌شود. اینکه به‌جای رفتارهای اخلاقی و بهره‌گیری از ابزار فنی، سراسر بازی‌های خطرناکی می‌روند که این روزها متأسفانه دامنه‌اش گسترده‌تر از همیشه شده و در حال نابود کردن عدالت فوتبالی است.



تور جهانی جودو با حضور قهرمانان المپیک



قهرمانی ایران در لیگ جهانی والیبال نشسته